■■ عيّن الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (٢٦ - ٣٥)

٢٦- ﴿ إصبر إنّ وعدَ اللهِ حقٌّ، و استغفر لذنبك ...﴾:

۱) صبر پیشه کن همانا وعدهٔ خداوند حقّ است، و برای گناهت آمرزش بخواه ... !

۲) شکیبائی پیشه کن زیرا وعدهٔ الله بحقّ است، و برای گناهانت استغفار کن ... !

۳) صبر را پیشهٔ خود بساز که وعدهٔ الله حقیقت است، و خدا برای گناه تو مغفرت خواست ... !

٤) شکیبائی نشان بده همانا وعدهٔ خدای تو حقیقت است، و برای گناهان خویش آمرزش طلب کن ... !

٢٧- « **علینا أن نَستفيدَ من تَجارب النّاجحين بأنّهم كيف واجهوا الصّعوبات و نَهضوا بعد السقوط و استمرّوا على سلوكهم حتّى النّجاح**»: ما باید از تجارب انسانهای موفّق .....

۱) بهره ببریم به اینکه چطور با مشکلات روبرو شدند و بعد از افتادن برخاستند تا به راه خودشان تا موفّقیّت ادامه بدهند!

۲) استفاده کنیم که چگونه با سختیها روبرو شده‌اند و بعد از سقوط برخاسته‌اند و روش خود را تا پیروزی، ادامه داده‌اند!

۳) بهره‌مند شویم بدینگونه که با دشواریها چگونه مواجه می‌شوند و بعد از سقوط کردن برمی‌خیزند و بر رفتارشان تا پیروزی باقی مانده‌اند!

٤) استفاده نماییم که آنها با مشکلات چطور برخورد کرده‌اند و بعد از افتادن چگونه بلند شده‌اند و چگونه بر سلوک خود تا پیروز شدن باقی می‌مانند!

٢٨- « **ليس من الضّروري أن يكون لديك أصدقاءٌ كثيرون لتُصبح ذا شخصيّة معروفة عند الناس!**»:

۱) نیازی نیست که در کنار تو دوستان زیاد باشند برای اینکه آنها دارای یک شخصیّت شناخته شده نزد مردم باشند!

۲) نیازی به این نیست که دوستان تو فراوان باشند تا اینکه دارای شخصیّت شناخته شده‌ای نزد مردم باشی!

۳) ضروری این نیست که دوستانت زیاد باشند تا تو هم صاحب شخصیّتی شهیر بین مردم شوی!

٤) ضروری نیست که دوستان بسیاری داشته باشی تا دارای شخصیّت معروفی نزد مردم شوی!

٢٩- « **الإنسان لا يُصاب بأمر إلاّ بقدر طاقته، فعلينا أن يَزداد إيماننا لأنّ الله لن يَترك مُحبّيه!**»:

۱) انسان فقط به اندازهٔ توانش به امری دچار شده است، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا علاقمندانش را رها نخواهد کرد!

۲) انسان به اندازهٔ توانش به امور دچار می‌شود، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا محبّان خود را هرگز ترک نمی‌کند!

۳) انسان به چیزی دچار نمی‌شود مگر به اندازهٔ توانش، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا دوستدارانش را رها نخواهد کرد!

٤) انسان هیچگاه بیش از توانش به خواسته‌ای دچار نمی‌شود، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا هرگز محبوبان خود را رها نمی‌کند!

۳۰- « ما أجملَ أن تَرى نهايةَ أحزانِك الماضيةِ لتبدأ حياةً جديدةً فَرِحةً!»:

۱) چه زیباست که پایان غمهای گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!

۲) چیزی زیباتر است که غمهای گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!

۳) چه زیباست که ببینی اندوههای گذشته‌ات پایان یافته برای اینکه زندگی جدید شادی شروع شود!

٤) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتیهای قبلی‌ات را ببینی برای اینکه زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

۳۱- « إن أمكنَ لنا أن نَستخدم الحديدَ و النُّحاسَ في بناء البيوت فإنّها لا تتخرَّب بسهولة بعد أن تَحدثَ حادثةٌ!»:

۱) هرگاه امکان استفاده از آهن و مس در ساختمان خانه‌هایمان باشد، پس از هر حادثه‌ای که رخ دهد خانهٔ ما ویران نمی‌شود!

۲) اگر برایمان ممکن شود که آهن و مس را در ساختن خانه‌ها بکار بریم، بعد از اینکه حادثه‌ای اتفاق بیفتد به آسانی خراب نمی‌شود!

۳) هرگاه برای ما ممکن باشد که در ساختن خانه‌ها از آهن و مس استفاده کنیم، بعد از اینکه حادثه‌ای رخ دهد خانه به ویرانی نمی‌انجامد!

٤) اگر ممکن باشدکه در ساختمان خانه‌هایمان آهن و مس بکار ببریم، پس از اینکه حادثه‌ای اتفاق بیفتد خانه‌ها بسرعت به خرابی نمی‌انجامد!

۳۲- « هناك مفرداتٌ في كلّ لغةٍ قد دخلت فيها من اللّغات الأُخرى و قد أصبحت كلماتٍ لها معانٍ جديدة!»:

۱) در هر زبان لغتهایی است که از دیگر زبانها در آن وارد شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!

۲) واژه‌هائی در هر زبان موجود است که از دیگر زبانها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!

۳) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبانهای دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده‌اند!

٤) کلماتی در هر زبان وجود دارد که از زبانهای دیگر داخل آن شده، و معانی دیگری یافته است!

۳۳- عيّن الخطأ:

۱) العلم إن لم يَنفعنا لا يَضرّنا: علم اگر به ما نفع نرساند ضرر نمی‌رساند!

۲) إنّما الدّينُ إطارٌ للعلم و الحضارة: دین چارچوبی برای علم و تمدن است!

۳) التفكّرُ هو الدّواء لدفع سُموم الخرافات: فکر کردن همان دارو است برای دفع کردن سموم خرافات!

٤) الفضلاء شخصيّتُهم أقوى من أن يُقلّدوا الجهلاءَ: فاضلان شخصیّتشان قویتر از این است که از جاهلان تقلید کنند!

۳٤- عيّن الخطأ:

۱) الجهلُ مصيبةٌ لن نَتخلّص منه إلاّ بالعِلم: فقط با علم، از مصیبت جهل، رهایی می‌یابیم!

۲) كثيرٌ من النّاس يَعرفون كلَّ شيءٍ بضدّه معرفةً أفضل: بسیاری از مردم هر چیزی را با ضدّش بهتر می‌شناسند!

۳) على الإنسان أن لايَجرح قلبَ الآخرين بكلماتٍ قبيحة: انسان نباید با کلمات زشت قلب دیگران را مجروح کند!

٤) كأنّ العُلماءَ في بسط العلم ليسوا إلاّ مَطرًا للأرض: گویی دانشمندان در گسترش علم چیزی جز باران برای زمین نیستند!

۳۵- « در ترازو چیزی سنگین‌تر از خوی نیکو نیست!». عیّن الصّحیح:

۱) لیس الشیء في میزان أثقل من حُسن الخلق!

۲) في میزان الشیء لیس ثقیل مثل حسن الأخلاق!

۳) في المیزان لیس شیء ثقیل من الأخلاق الحسن!

٤) لیس شیءٌ أثقل في المیزان من الخُلق الحَسن!

■■ إقرأ النّص التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۳٦ - ٤۲) بما یناسب النصّ:

عندما یقوم الإنسانُ باختیار الأصدقاء، فعلیه أن یَستفید من حوادث حیاته و یکتسب منها تجاربَ. و هذا الأمر یُسبّب أن یُفکّر في الأخطاء الّتي وقع فیها و المساعي الّتي بذلها للخروج منها، فالعاقلُ یأخذ منها دروسًا تمنعُه من تکوین صداقات مع الّذین لیسوا مهذّبین و صادقین فیما یدّعون!

و علی الإنسان أن یعلم أنّه في أوقات الراحة و السعادة و السّرور من السّهل الحصولُ علی العدید من الأصدقاء المختلفین، فإنّ هذه المجالات تجعل إیجادَ العلاقات أکثر سُهولةً، ولکنّها لا تُعرّفنا علی الصدیق الحقیقيّ الّذي یُمکن الاعتماد علیه؛ فإنّ الّذین یقفون عند أصدقائهم في الصّعوبات هم الّذین نَعدُّهم أوفیاءَ و یُمکن أن نَتّخذهم شرکاءَ في حیاتنا!

۳٦- عیّن الصّحیح : أحد الطرُق الّذي هو أکثر أهمیّة في مجال کشف الأصدقاء الحقیقیین هو ....

۱) أن نجعل الماضيَ عبرةً للمستقبل!

۲) أنّ الاختبار لا یُعرّفنا الصّحیحَ من السّقیم!

۳) أن لا نَتّخذ صدیقًا في أیّام الرخاء و الراحة!

٤) أنّ الأصدقاء الأوفیاء لا یَبقون مع الإنسان في الشّدائد!

۳۷- **ما الّذي یُبعّدنا عن اتّخاذ أصدقاء السوء؟ عیّن الخطأ:**

۱) السعي وراء ما یقوم به النّاس و متابعتُه في حیاتنا!

۲) العلم بأنّ الحوادث تتکرّر، فالعاقل هو الّذي لا یعبر منها غافلاً!

۳) تحلیل الماضي و التدقیق فیما فَعلنا في مجال الصداقة حتّی لا نکرّر أخطاءَنا!

٤) الاعتقاد بأنّ في الحیاة دروسًا، علینا أن نتّخذها سراجًا أو مصباحًا في أعمالنا!

۳۸- عیّن المناسب لعنوان النصّ:

۱) أدبُ الصدیق خیر من ذهبه!

۲) العاقل لایخسَر من أمر مرّتین!

۳) الصدیق هو المفتاح لکلّ باب مُغلَق!

٤) صدور الأصدقاء قبور الأسرار!

۳۹- عیّن الأنسب حسب النصّ:

۱) المرء مرآة أخیه!

۲) یُعرَف الأصدقاءُ عند الحاجة!

۳) إنّ الطیور علی أشکالها تطیر!

٤) الصّدیق لنا و کلّ نِعم الجنّةِ لکم!

■ عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٤٠ - ٤٢)

٤٠- « يكتسب»:

١) فعل مضارع – للغائب – ماضيه « اكتسب» على وزن افتعل / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية

٢) للغائب – مصدره « اكتساب» من وزن انفعال – معلوم / مع فاعله جملةٌ فعلية، و مفعوله « تجارب»

٣) فعل مضارع – صيغته مفرد مذكّر غائب – له حرفان أصليّان و حرفان زائدان / مع فاعله جملةٌ فعلية

٤) مضارع – حروفه الأصلية «ك س ب» و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله « تجارب»

٤١- « يُفكّر»:

١) للغائب – حروفه الأصلية «ف كّ ر» و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية

٢) صيغته للمفرد المذكّر الغائب – مجهول – مصدره « تفكير» على وزن أو من باب « تفعيل»

٣) فعل مضارع – للغائب – ماضيه « فكّر» على وزن فعّل، مصدره « تفكُّر» من باب « تفعّل»

٤) مضارع – حروفه الأصلية « ف ك ر» و له حرف زائد واحد / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية

٤٢- « الاعتماد»:

١) اسم – مفرد مذكّر – معرّف بأل – حروفه الأصلية « ع م د» و وزنه « إفتعال» / مضاف إليه

٢) اسم – مصدر من وزن « افتعال» و الماضي منه « إعتمد» على وزن « افتعل» / فاعل لفعل « يُمكن»

٣) مفرد مذكّر – مصدر من باب « افتعال» مضارعه « يعتمد» و أمره « إعتمِد» – نكرة / فاعل لفعل « يُمكن»

٤) مفرد مذكّر – معرّف بأل – مصدر على وزن « افتعال» و حروفه الأصلية « ع م د» / مفعول لفعل « يُمكن»

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٣-٥٠)

٤٣- عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

١) شَرُّ النّاس مَن لا يَعتَقِد الأمانة و لا يَجتَنِبُ الخيانة!

٢) الشَّجَرةُ الخائِقةُ تَنْمو في بَعضِ الغاباتِ الاستِوائيّة!

٣) عَلى كُلِّ النّاس أنْ يَتَعايَشوا تَعايُشًا سِلميًّا!

٤) يَرى حافِظ الدَّهرَ مِن هَجرِ حبيبِهِ كالقيامَة!

٤٤- « يترك الطالبُ البيتَ و يذهب إلى المدرسة بعد أن يأكل غَداءَه!». عيّن الصّحيح: الطالب يدرس .....

١) ليلاً! ٢) مساءً! ٣) صباحًا! ٤) نهارًا!

۴۵- عيّن الخطأ عن « الجرّارة»:

۱) هي آلة تُساعد المُزارعين! ۲) يُنتفع بها في الأعمال الزراعيّة!

۳) تُستخدم في المزارع عادةً! ٤) تَجرّ نفسَها على الأراضي الزراعيّة!

۴۶- عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

۱) هو في حياته أهدى منّي كثيرًا! ۲) بكلامه الليّن سَمعنا أهدى الكلمات!

۳) صديقي أهدى إليّ كتابًا من مكتبته! ٤) أهدى عملٍ نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

۴۷- عيّن ما ليس فيه المعادلُ للمضارع الالتزاميّ الفارسي:

۱) يُحذّر الشرطيُّ المسافرين ألاّ يقتربوا من الأماكن الخطِرة!

۲) يا أصدقاء؛ يجب أن تكونوا من المتوكّلين حتّى لا تيأسوا!

۳) يا أيّها الأطفال؛ لا تَقربوا من هذه الحفرة لأنّها خطرة!

٤) يجتمع التلاميذُ مع معلّميهم يوميًّا ليتعلّموا العلم!

۴۸- عيّن ما فيه « نون الوقاية»:

۱) يَجب عليكِ أن تُحسني لمن لم تكن له قدرة!

۲) بعضُ الطّيور تَبني بيوتَها فوقَ الأشجار المرتفعة!

۳) يُرشدني معلّمي الرّؤوف دائمًا إلى تعلّم العلوم النّافعة!

٤) يا أُختي! إن تُؤمني بأنّ النّجاحَ نتيجةُ أعمالكِ فحاولي!

۴۹- عيّن الصّحيح للفراغين:

كان في فريقنا أحد عشرلاعبًا، طال لعبنا مدّة ساعتين. مَضت عشرون دقيقة من اللعب. جُرح لاعبان اثنان مِنّا، واصل .... لاعبين المباراةَ لمدّة .... دقيقة إلى نهاية اللّعب!

۱) سبعة / ساعة و أربعين ۲) تسعة / ساعتين و عشرين

۳) ستّة / ساعتين إلاّ عشرين ٤) تسعة / ساعة و أربعين

۵۰- عيّن جواب الشّرط يختلف نوعه عن الباقي:

۱) إن تَتركوا أداء واجباتكم المدرسيّة تَرسبوا في نهاية السّنة!

۲) إن نَندم على أعمالنا السّيّئة نُغيّرها بعد مدّة بسهولة!

۳) إن ينم طفلٌ صغير في الغرفة أتكلّم هَمسًا!

٤) إن يَقطع أحدٌ كلامَ الآخرين فهو قليلُ الأدب!